

تأثیر مسائل راهبردی در روابط ترکیه و عراق، بر ملاحظات امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران

داود غرایاق زندی^۱

اصغر شاکری^۲

چکیده:

در مرزهای غربی جمهوری اسلامی ایران، دو کشور بسیار مهم و تأثیرگذار عراق و ترکیه قرار دارد. هم‌جواری سرزمینی در کنار موقعیت ژئوپلیتیکی باعث شده تا ملاحظات امنیت ملی جمهوری اسلامی به نحو جدی درگیر مسائل راهبردی این دو کشور شود. از این رو هدف این تحقیق، ترسیم منافع راهبردی متعارض و مشترک دو کشور عراق و ترکیه و ملاحظات امنیتی ج.ا.ا. است. با این اوصاف نویسندگان در پژوهش حاضر با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی سعی نموده‌اند از روش کتابخانه‌ای (اسنادی و اینترنتی) به‌عنوان ابزارهای گردآوری اطلاعات استفاده نمایند. در این راستا پرسش اصلی مقاله حاضر این است که کدام مسائل راهبردی متعارض و همسو بین ترکیه و عراق، بیشترین تأثیر را بر ملاحظات امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران دارد؟ طبق یافته‌های پژوهش پاسخ احتمالی اولیه عبارت خواهد بود از: مسائل کردها (کردستان بزرگ و پ.ک.ک.)، انرژی (منطقه کرکوک و انتقال انرژی)، ارتباط با رژیم صهیونیستی، ارتباط با آمریکا و ناتو و درنهایت الگو بودن برای آینده منطقه مهم‌ترین موضوعات راهبردی هستند.

کلیدواژه‌ها: ملاحظات امنیتی، ایران، ترکیه، عراق، کردستان، انرژی، رژیم صهیونیستی

مقدمه:

مرز غربی جغرافیایی ایران بر امنیت ملی کشور ایران بسیار تأثیرگذار بوده است. دو کشور بسیار مهم در این جناح، ترکیه و عراق هستند. ترکیه تقریباً از زمان جنگ تحمیلی عراق علیه ایران توانست موقعیت منطقه‌ای مناسبی به دست آورد و این نقش فعال در منطقه همچنان ادامه دارد و جنگ ایران و عراق، دو جنگ خلیج فارس در سال‌های ۱۹۹۱ و ۲۰۰۳ موقعیت بازیگری بیشتری برای ترکیه فراهم ساخت. آنچه بررسی مسائل راهبردی ترکیه و عراق را ضروری می‌سازد، تغییر ماهوی شرایط و موقعیت و سیاست خارجی دو کشور ترکیه و عراق است. در ترکیه گروه‌های اسلام‌گرایان با موفقیت سعی در مدیریت مشکلات داخلی و هدایت سیاست خارجی دارند. در عراق نیز روی کار آمدن شیعیان، تغییری ماهوی در سیاست خارجی این کشور ایجاد کرد؛ به‌گونه‌ای که دوره بعد از صدام، به عراق جدید معروف شد.

ترکیه و عراق دو کشور برآمده از امپراتوری عثمانی هستند که از ابتدای شکل‌گیری با مسائل راهبردی مختلفی مواجه بودند که برخی از آن‌ها همچنان ادامه دارد و بعضی دیگر برآمده از تغییر شرایط و موقعیت این دو کشور است. برای مثال مسئله کردستان بزرگ از ابتدا محل اختلاف بوده و قرارداد سورس همچنان زمینه برخی مطالبات قومی برای کردها بوده و مسائل بعدی پ.ک.ک. نیز تابعی از این موضوع است. یا موضوع منطقه نفت خیز کرکوک که یکی از مناطق مورد ادعای ترکیه است، به واسطه این که در منطقه کردنشین عراق واقع شده و از منابع غنی نفتی برخوردار است، هم برای مسئله کردستان و هم برای رشد و توسعه اقتصادی کشور ترکیه که از نظر منابع انرژی ضعیف است، مسئله مهمی بوده و هست. برخی از مسائل جدید مثل نفوذ رژیم صهیونیستی در عراق یا همکاری امنیتی و نظامی ترکیه و رژیم صهیونیستی موضوعات جدید هستند. همچنین در هر دو کشور ترکیه و عراق گروه‌های اسلام‌گرا در قدرت هستند، این‌ها دو الگو در کنار الگوهای مختلف هستند که می‌توانند در منطقه، به‌ویژه پس از بیداری اسلامی در کنار الگوی جمهوری اسلامی مورد الگوبرداری قرار گیرند. در نهایت ارتباط این دو کشور با آمریکا و ناتو ملاحظات خاصی برای امنیت ملی کشور ما ایجاد می‌کند. این ملاحظات ابعاد مثبت و منفی مختلفی دارند که باید با شناخت آن‌ها امکان مناسب‌تری برای تأمین امنیت ملی کشور ایران فراهم آورد.

در این راستا پرسش اصلی مقاله حاضر این است که کدام مسائل راهبردی متعارض و همسو بین ترکیه و عراق، بیشترین تأثیر را بر ملاحظات امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران دارد؟ برای درک بهتر پرسش اصلی و فهم مناسب از مسائل راهبردی ایران با دو کشور هم‌جوار در مرزهای غربی لازم است به دو پرسش فرعی پرداخته گردد: (۱) راهبردهای مشترک و همسوی کشورهای ترکیه

✦ تأثیر مسائل راهبردی در روابط ترکیه و عراق، بر ملاحظات امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران ✦ ————— ۶۹

و عراق که بر امنیت ملی ج.ا.ا تأثیر گذارند کدامند؟ (۲) راهبردهای متعارض در روابط ترکیه و عراق که بر امنیت ملی ج.ا.ا تأثیر گذارند کدامند؟ با این دو پرسش فرضیه اصلی یا پاسخ احتمالی اولیه به پرسش اصلی عبارت خواهد بود از: مسائل کردها (کردستان بزرگ و پ.ک.ک.)، انرژی (منطقه کرکوک و انتقال انرژی)، ارتباط با رژیم صهیونیستی، ارتباط با آمریکا و ناتو و در نهایت الگو بودن برای آینده منطقه؛ مهم ترین موضوعات راهبردی هستند که بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران تأثیر جدی دارد. در این مقاله متغیر مستقل، مسائل راهبردی ترکیه و عراق (مسئله کردها، انرژی، ارتباط با رژیم صهیونیستی، روابط سیاسی با آمریکا و ناتو و در نهایت امکان الگوسازی) است و متغیر وابسته، امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران است.

ترکیه و عراق

پس از سقوط صدام، در سیاست خارجی عراق تغییرات اساسی انجام گرفت؛ این سیاست بر مبنای گشودن درها به سوی جهان، به منظور تضمینی برای بازگشت مجدد عراق به وضعیت طبیعی و جایگاه مطلوبش، در جامعه بین المللی بود که دستگاه سیاست خارجی برای تحقق این هدف، از سال ۲۰۰۳ میلادی تا به امروز، همزمان در دو مسیر حرکت نموده است؛ نخست اجرای کامل التزامات و تعهدات بین المللی عراق که متضمن خروج از فهرست کشورهای مشمول فصل هفتم منشور سازمان ملل متحد که در این کار موفق شد و ثانیاً گسترش سیاست دروازه های باز عراق در برابر کل جهان با تأکید بر گرایش های جدید صلح آمیز و برای دستیابی به منافع سیاسی و اقتصادی. عراق در این رابطه پیوسته در تلاش برای حل و فصل تمامی مسائل و مشکلات به جامانده و موجود، با دولت کویت و همچنین حل مسائل و مشکلات موجود با تمامی کشورهای همسایه است و همراه با آن مشتاق ایجاد روابط سیاسی متوازن با جامعه بین المللی، از شرق تا غرب و به ویژه با ایالات متحده است. (سایت وزارت خارجه عراق)

اما در خصوص ترکیه تحولات داخلی و خارجی منطقه در دهه آغازین قرن بیست و یکم باعث گردید تا سیاست خارجی این کشور را هم تحت تأثیر خود قرار داده است، به گونه ای که سیاست خارجی ترکیه را دیگر نمی توان با اصل معروف آتاتورک، «صلح در خانه، صلح در بیرون» که به نوعی انفعال خودخواسته انجامید، درک و تفسیر کرد. رفتار سیاست خارجی ترکیه طی یک دهه گذشته هم مؤید این امر است. مشارکت در جنگ اول خلیج فارس در سال ۱۹۹۱ برای آزادسازی کویت و نیز همکاری با آمریکا و متحدان غربی این کشور در ایجاد فضای پرواز ممنوع و منطقه امن برای کردهای شمال عراق و حمایت از تروریست های سوریه، مثال بارزی از این موارد است. در کنار مباحث فوق رهبران ترک کوشیده اند نقش مؤثری در حل و فصل بحران های بالکان، مناقشات قفقاز و آسیای مرکز، خاورمیانه و نقش میانجی در حل بحران هسته ای با گروه

۵+۱ و ایران ایفا کنند. هرچند در میزان مؤثر بودن این نقش‌ها بحث‌وجدل‌های زیادی وجود دارد (قهرمان پور، ۱۳۸۵: ۵۸)

با این اوصاف این دو کشور از جمله مهم‌ترین کشورهای خاورمیانه و همسایه غربی جمهوری اسلامی ایران هستند که هرکدام از این‌ها در تعامل با یکدیگر دارای راهبردهای مشترک و متعارض هستند که در این مقاله پس از بررسی منابع مختلف به مهم‌ترین مسائل راهبردی دو کشور که تأثیر جدی بر منافع امنیت ملی ایران دارد می‌پردازیم.

چارچوب مفهومی: مفهوم امنیت ملی و ملاحظات امنیت ملی

تعاریف فرهنگ لغتی از امنیت به شکل حفاظت از خطر (امنیت عینی)، احساس ایمنی (امنیت ذهنی) و رهایی از تردید (اطمینان داشتن از آگاهی فردی) است. (Buzan, 1991: 36) در مورد امنیت ملی تعاریف مختلفی از منظرهای متعددی مطرح شده است که به برخی از مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌شود تا زمینه تعریف محوری این مقاله فراهم آید.

- والتر لیپمن: یک کشور زمانی امن است که اگر بخواهد از جنگ بپرهیزد، در خطر فدا کردن ارزش‌های حیاتی‌اش نباشد و اگر با چالش مواجه شد، با پیروزی در جنگ قادر به حفظ آن‌ها (ارزش‌های حیاتی‌اش) باشد. (بوزان، ۱۳۸۷: ۲۵)

- مایکل چ.ج. لو: امنیت ملی شامل سیاست‌های سنتی دفاعی و همچنین اقدامات غیرنظامی یک دولت برای تضمین ظرفیت کلی بقای خود به مثابه موجودی سیاسی است تا بتواند نفوذ خود را گسترش دهد و اهداف داخلی و خارجی خود را دنبال کند. (بوزان و ویور ۱۳۸۸: ۲۷)

- جیاکومو لوچیانی: امنیت ملی را می‌توان به مثابه توانایی ایستادگی در برابر تجاوزگری از خارج تعریف کرد. (همان: ۴۷)

- فرانک ن. تراگر و ف. ن. سیمونی: امنیت ملی بخشی از سیاست‌گذاری حکومتی با هدف ایجاد شرایط سیاسی ملی و بین‌المللی موردنظر در راستای حفظ یا گسترش ارزش‌های حیاتی ملی در قبال رقبای موجود و بالقوه است. (همان: ۲۸)

- آرنولد ولفرز: امنیت در مفهوم عینی نبود تهدیدات برای دستیابی به ارزش‌ها و در مفهوم ذهنی، نبود ترس از این‌که چنین ارزش‌هایی در معرض حمله خواهند بود. (بوزان، ۱۳۸۷، ۴۷)

- پیترسون و سبنیوس امنیت ملی را حفاظت جامعه از لطمه خوردن به نهادها و ارزش‌های بنیادی آن تلقی می‌کنند. (همان: ۲۸)

- و درنهایت از نظر رابرت ماندل امنیت ملی شامل تعقب روانی و مادی ایمنی است و اصولاً جزء مسئولیت حکومت‌های ملی است تا از تهدیدات مستقیم ناشی از خارج، نسبت به بقای رژیم‌ها، نظام شهروندی و شیوه زندگی شهروندان خود ممانعت به عمل آورند. (همان: ۲۹)

هدف از طرح این تعاریف دستیابی به چند محور مهم در مورد ملاحظات امنیت ملی است که می‌توان آن‌ها را این‌گونه برشمرد:

- هدف مهم امنیت ملی، حفظ بقای موجودیت سیاسی یا دولت است.
- حفظ بقای سیاسی حتی در صورت وقوع و یا پرهیز از جنگ، امکان‌پذیر باشد.
- بقای موجودیت سیاسی از طریق نظامی و تجاوز نظامی در معرض خطر قرار می‌گیرد.
- مهم‌ترین خطر و تهدید علیه امنیت ملی از خارج از کشور رخ می‌دهد.
- بقای سیاسی مهم‌ترین ارزش حیاتی یک کشور است که در مقابل رقبای بالقوه و بالفعل باید حفظ گردد.

به این معنی ملاحظات امنیت ملی به تهدیداتی اشاره دارد که چارچوب دولت را تحت تأثیر قرار داده و آن را در معرض خطر قرار می‌دهد. در اینجا هر نوع تهدیدی که علیه سرزمین، جمعیت، تغییر یا براندازی حکومت و درنهایت نقض حاکمیت یک کشور صورت گیرد، تهدید اصلی امنیت ملی خواهد بود. این‌ها ارزش‌های حیاتی هر نظام سیاسی است که از آن به ملاحظات امنیتی نیز در متون سیاسی یاد می‌شود. (روشندل، ۱۳۷۴: ۱۸)

راهبردهای مشترک و همسو در تعامل کشورهای ترکیه و عراق

۱- کردها

مسئله قومیت‌ها یکی از مؤلفه‌های اثرگذار در روابط کشورهای خاورمیانه از آن یاد شده است. می‌توان ادعان داشت که یکی از راهبردهای مشترک که همواره امنیت ملی دو کشور ترکیه و عراق را به مخاطره می‌اندازد، مسئله کردها است. مسئله کردها در وضعیت جدید خاورمیانه؛ برای نخستین بار به مثابه یک کل به هم پیوسته نه تنها بر سیاست خارجی دولت‌ها، بلکه هم‌زمان بر سیاست و امنیت داخلی چهار کشور (ترکیه، ایران، عراق و سوریه) که با این مسئله درگیر هستند تأثیر می‌گذارد. مسئله کردها در ترکیه از زمان تشکیل جمهوری ترکیه تاکنون، اصلی‌ترین دغدغه امنیتی مقامات سیاسی این کشور بوده است. (حق پناه، ۱۳۸۸: ۲۶)

ترکیه از جمله کشورهای منطقه است که از بدو تأسیس با مسئله قومی و تجزیه‌طلبی اقوام مواجه بوده است و این یکی از مهم‌ترین راهبردی داخلی ترکیه است که جلوگیری از تجزیه‌طلبی اقوام را داشته باشد و یکی از این اقوام کردها هستند. کردها ۱۲ تا ۱۴ میلیون نفر از جمعیت ۷۰ میلیونی ترکیه را تشکیل می‌دهند (احدی، ۱۳۸۷: ۴۹)

از مهم‌ترین خواست کردهای ترکیه که از دیرباز تاکنون بر آن پافشاری کرده و برای دستیابی به آن، هم از راه‌های مسالمت‌آمیز و هم از طریق فعالیت‌های خشونت‌بار اقدام کرده‌اند، دو موضوع بوده است: نخست، خودمختاری کردهای ترکیه که عمدتاً در شرق و جنوب شرقی ترکیه

ساکن هستند و دوم، به رسمیت شناختن زبان کردی به‌عنوان زبان دوم ترکیه. آنچه هم‌اکنون موجب نگرانی ترکیه شده، حضور کردها در کشور عراق است. تحولات جاری در عراق و تشکیل اقلیم کردستان عراق در شمال - که مجاورت با کشور ترکیه است - می‌تواند امنیت ملی ترکیه را به مخاطره انداخته، در آینده کردهای ترکیه از دولت درخواست تشکیل دولت و یا کردستان خودمختار همانند عراق داشته باشند که این موضوع با امنیت ملی ترکیه منافات داشته و بحران قومی در داخل ترکیه گردد. (پژوهشنامه راهبردی، ۱۳۸۶: ۲۲) چراکه به‌طور طبیعی موضع‌گیری و اقدامات کردهای عراق بر نگرش‌های سیاسی و مواضع کردهای ترکیه تأثیرگذار خواهد بود. این عامل سبب شده است تا ترکیه نسبت به تحولات سیاسی در عراق حساس باشد.

اما مسئله کردها در عراق پیچیدگی بیشتری حتی در مقایسه با ترکیه که موجودیت کردها را همواره نفی کرده، دارد. کردهای عراق که حدود ۲۰ درصد از جمعیت عراق را تشکیل می‌دهد (احدی، ۱۳۸۷: ۶۵) در زمره اولین طراحان فدرالی شدن عراق هستند کردستان عراق با توجه به سابقه مبارزات و درگیری‌هایی که احزاب و شخصیت‌های کرد با دولت‌های عراق پس از استقلال و حتی قبل از آن داشته‌اند، همواره خواهان به وجود آمدن تشکیلاتی محلی برای خود بوده‌اند اگرچه امروز سیاست کلی کردهای عراق «فدرالیسم قومی - جغرافیایی» و پافشاری بر فدرالی شدن عراق است؛ اما این تعریف از فدرالیسم مورد توافق سایر گروه‌های عراقی و حتی اکثریت شیعه عراق نیست به ویژه این که تمرکز کردها بر «کرکوک» و وارد کردن آن جزو «اقلیم کردستان» تنش‌زا بوده است. (حق پناه، ۱۳۸۲: ۱۸)

۱ - انرژی

مهم‌ترین متغیر در روابط کشورهای خاورمیانه اقتصاد با محوریت انرژی از دو بعد ذخایر انرژی و مسیرهای انتقال (دیپلماسی خطوط لوله) است. (اکبری، ۱۳۸۸: ۱۴۹) بدیهی است که عراق همچون بسیاری از کشورهای خاورمیانه از منابع سرشاری نفت و گاز بهره‌مند است. این کشور از جمله کشورهای مهم منطقه خاورمیانه است که دارای منابع غنی نفت و گاز است. نقش نفت در دولت‌سازی در عراق به قدری اهمیت دارد که نظام اقتدارگرای این کشور که از سال ۱۹۳۲ تا ۱۹۷۰ حاکم بود، به نظام تام‌گرا و توتالیتر بدل کرد. (غرایق زندی، ۱۳۸۹: ۱۶)

عراق دارای اقتصادی نفت‌پایه و درعین حال توسعه‌نیافته است. این کشور با ذخایر غنی نفتی و نیز هزینه پایین استخراج و صدور نفت می‌تواند در سال ۲۰۲۰ حدود هفت میلیون بشکه در روز نفت تولید کند و با قیمت ۵۰ دلار به ازای هر بشکه حدود یکصد میلیارد دلار درآمد سالیانه فقط از ناحیه صدور نفت خواهد داشت. (نصری، ۱۳۸۴: ۹۴) این مؤلفه نیز عراق را در عرصه خارجی با فرصت‌ها و تهدیدهایی روبرو می‌کند. داشتن ذخایر عظیم نفت و تولید و صادرات بالای آن عراق

را به بازیگری مهم در منطقه تبدیل می‌کند، توان و قدرت ملی‌اش را افزایش می‌دهد و در نتیجه دامنه سیاست خارجی‌اش را گسترده‌تر می‌کند اما آن را در برابر نوسان‌های ناشی از احتمالاً با افزایش و اهمیت یافتن نفت تولیدی عراق طی سال‌های آینده امکان بازگشت رقابت‌های نفتی گذشته وجود دارد؛ چراکه عراق برای بازسازی، نیاز به تولید و صادرات نفت بیشتری دارد. ساختار و ویژگی‌های اقتصادی عراق، اقتصاد این کشور را به اقتصاد جهان صنعتی و کمتر به اقتصاد منطقه پیوند می‌زند.

از طرفی ترکیه کشوری است که در منطقه‌ای واقع شده که قطب انرژی دنیا محسوب می‌شود. نزدیکی به دریای خزر و خلیج فارس - که مهم‌ترین منابع انرژی دنیا را در خود دارند - موقعیت انتقالی ویژه‌ای به ترکیه بخشیده است. (بولتن ویژه ترکیه، ۱۳۸۸: ۳۱) ترک‌ها با اعمال دیپلماسی خط لوله، هم‌اکنون در مسیر انتقال نفت و گاز ایران، عراق، ترکمنستان، آذربایجان، روسیه و قزاقستان قرار دارند. خط لوله عراق به‌تنهایی روزانه ۱/۵ میلیون بشکه نفت انتقال می‌دهد و سالانه حدود ۲۰۰ میلیون دلار سود نصیب ترک‌ها می‌نماید. قرارداد ۲۱ میلیارد دلاری گاز با ایران نیز بدین سبب با اهمیت است که ترک‌ها توانستند ایران؛ یعنی دومین مخزن عظیم گاز دنیا را به خود وصل کرده و ضمن استفاده از آن برای مصارف صنعتی و گرمایش داخلی خود، با هدایت گاز جمهوری اسلامی ایران به سوی اروپا، سود خوبی برای خود فراهم آورده و در ازای گاز دریافتی، اجناس خود را به ایران بفروشند. (همان: ۳۲)

۲ - حضور رژیم صهیونیستی در اقلیم کردستان عراق

رژیم صهیونیستی نیز به‌عنوان یک نیروی خارجی در تحولات و روابط این دو کشور ترکیه و عراق نقش اثرگذار زیادی دارد. رژیم صهیونیستی با استفاده از تحولات ژئوپلیتیک جدید منطقه در صدد دستیابی به اهداف دیرینه خود در منطقه خاورمیانه؛ یعنی ایجاد رژیم صهیونیستی بزرگ و عملی کردن ایده از نیل تا فرات است. بدین منظور کردستان عراق می‌تواند این نقش را برای رژیم صهیونیستی ایفا کند. در این میان کردها و آرمان آن‌ها برای کسب استقلال و ایجاد دولت مرکزی برای رژیم صهیونیستی اهمیت چندانی ندارد بلکه صرفاً می‌توانند زمینه‌ساز دستیابی رژیم صهیونیستی به اهدافش شود؛ حتی می‌تواند به مانعی اساسی برای دستیابی استقلال تبدیل گردد؛ چراکه حضور رژیم صهیونیستی در کردستان باعث ایجاد حساسیت گروه‌های داخلی عراق و کشورهای منطقه نسبت به این مسئله شده است. در این میان، واکنش ترکیه نسبت به اقدامات رژیم صهیونیستی و تشکیل دولت مستقل کرد شدیدتر بوده است. ترکیه متحد اصلی آمریکا در منطقه و یکی از محورهای اصلی اتحاد پیرامون رژیم صهیونیستی است. حفظ این کشور به‌عنوان متحد برای آمریکا و اسرائیل مهم‌تر از روابط آن‌ها با کردها و دارای اولویتی اساسی‌تر است.

در این راستا، وجود اقلیت کرد در عراق که در زمان حاکمیت «رژیم بعث» و نیز در مقاطع پیشین از حضور در عرصه‌های سیاسی و حکومت‌داری محروم و همواره به‌عنوان اقلیتی ناراضی مطرح بوده، زمینه حضور و نفوذ این رژیم را برای بهره‌برداری و استفاده از این اقلیت به‌منظور مقابله با رژیم بعثی «صدام» و تجزیه سرزمینی آن فراهم ساخت. (نظری، ۱۳۹۲: ۲۸)

با اشغال عراق، نگاه و برنامه‌های نوین راهبردها سازان صهیونیستی به شرایط بین‌المللی و محیط منطقه‌ای، تعریف‌ها و دستور کارهای جدیدی را پیش روی این رژیم قرار داد؛ چراکه رژیم صهیونیستی با سهم‌خواهی از جنگ خودخوانده خود در عراق، شمال عراق را - که تحت حاکمیت دولت خودمختار کردستان است - مرکز ثقل حضور خود در عراق قرار داد تا بتواند جلوی یک دولت قدرتمند و یکپارچه از نظر سیاسی و نظامی در عراق باشد. تحقق این هدف، باعث کاهش تهدید علیه رژیم صهیونیستی و به‌هم خوردن موازنه قدرت در منطقه به نفع آن می‌شود. (Hersh, 2004: 17)

۳ - آمریکا

بدون شک یکی دیگر از متغیرهای اثرگذار در تعیین منافع و منازعات در منطقه، حضور و دخالت قدرت‌های خارجی است در همین راستا یکی دیگر از راهبردها و منافع مشترک دو کشور عراق و ترکیه روابط راهبردی با ایالات متحده آمریکا است. هر کدام از این کشورها در بحث روابط با آمریکا اهداف خاصی دارند عراق به‌عنوان یک متحد غیرراهبردی و بی‌ثبات برای آمریکا است.

پس از حمله ارتش عراق به کویت، آمریکا حامی و بانی اصلی اقدام نظامی علیه عراق و اعمال تحریم‌های بین‌المللی علیه بغداد شد. پس از جنگ نفت، آمریکا در چارچوب سیاست مهار دوگانه سیاست‌های خود در برابر عراق را اجرا کرد. پس از روی کار آمدن دولت بوش در سال ۲۰۰۰، آمریکا تلاش برای متحد کردن معارضین عراق و سرنگونی صدام را تشدید کرد و در آغاز سال ۲۰۰۳، به عراق حمله و رژیم صدام را سرنگون کرد. (پور اردکانی، ۱۳۸۲: ۱۶۲) و بعد از خروج نیروهایش از عراق، این دو کشور توافق‌نامه امنیتی به نام SOFA^۲ در سال ۲۰۰۸ به امضاء رساندند و دوره جدیدی از روابط دیپلماتیک بین دو کشور آغاز شده است. (یزدان‌فام، ۱۳۸۸: ۱۵۸) آمریکا نه تنها عراق را به یکی از متحدین واپایش‌شده منطقه‌ای خود تبدیل کرده، بلکه موازنه منطقه‌ای را برهم زده و شرایط جدیدی در این منطقه به وجود آورده است تا از این طریق بتواند بر منابع نفت و گاز خلیج فارس و واپایش داشته و امنیت رژیم صهیونیستی را تأمین کند. از این رو اهداف آمریکا در عراق را می‌توان جزئی از راهبرد خاورمیانه‌ای این کشور دانست. (پور اردکانی، ۱۳۸۲: ۷۳)

اما ترکیه برای آمریکا به‌عنوان یک کشور متحد راهبردی و باثبات است؛ و آن‌هم به دلیل تمایل

دو طرف برای دوری از تنش در روابط دوجانبه را می‌توان به منافع امنیتی آمریکا و منافع اقتصادی و سیاسی ترکیه نسبت داد. در ادبیات روابط دو کشور گفته می‌شود ترکیه یک سرمایه‌امنیتی برای آمریکاست. گرچه موقعیت ژئوپلیتیک ترکیه همچنان ادامه پیوندهای راهبردی این کشور با آمریکا را ضروری جلوه می‌دهد؛ اما این که پیوندهای اقتصادی ترکیه با اتحادیه اروپا و آمریکا چه مسیری را در پیش خواهد گرفت موضوعی است که به بروز تضادهای راهبردی بین منافع دو طرف در دهه‌های آینده بستگی دارد. (داوود اوغلو، ۱۳۹۱: ۲۰۴) بنابر آنچه گفته شد می‌توان ادعا کرد در سال‌های آینده ترکیه همچنان اهمیت ژئوپلیتیکی و امنیتی خود را برای آمریکا و اروپا حفظ خواهد کرد.

در کنار این نیاز امنیتی، تأکید آمریکا بر مسئله مردم‌سالارسازی و دولت-ملت‌سازی در خاورمیانه بزرگ باعث خواهد شد تا ترکیه از منظر مردم‌سالار بودن و تداوم اصلاحات سیاسی و اقتصادی و حقوقی نیز جایگاه ویژه‌ای در راهبردی کلان آمریکا در خاورمیانه بزرگ و حتی جهان اسلام داشته باشد. ترکیه هم می‌تواند از این وضعیت برای تحقق آرمان دیرین خود، یعنی پیوستن به اتحادیه اروپا بهره‌گیری کند. از این‌رو انتظار می‌رود روابط آمریکا-ترکیه در سال‌های آینده همچنان اهمیت خود را حفظ کند و دو طرف مانع از ایجاد بحران جدی در این روابط نشوند. (قهرمان‌پور، ۱۳۸۵: ۴۱)

منافع راهبردهای متعارض در روابط ترکیه و عراق

۱ - رژیم صهیونیستی

بدون شک یکی دیگر از متغیرهای اثرگذار در تعیین منافع و منازعات در منطقه، حضور و دخالت قدرت‌های خارجی است. در همین راستا یکی از راهبردهای متعارض بین ترکیه و عراق، رابطه ترکیه و رژیم صهیونیستی است. از روابط ترکیه و رژیم صهیونیستی همواره به‌عنوان یک رابطه راهبردی نامبرده می‌شود

به قول آلن ماکوفسکی، رژیم صهیونیستی و ترکیه به دلایل راهبردی باهم همکاری می‌کنند و عنوان مناسب رابطه آن‌ها «رابطه راهبردی» است نه «ائتلاف». ترکیه و رژیم صهیونیستی از سال‌های دهه ۱۹۵۰ باهم روابط غیررسمی داشتند؛ اما در دهه ۱۹۸۰ و در پی تجدیدنظر در سیاست خاورمیانه‌ای ترکیه بود که این روابط مورد توجه ویژه قرار گرفت. در سال‌های دهه ۱۹۹۰ بعد علنی و جدیدی پیدا کرد و در سال ۱۹۹۱ روابط دو کشور به سطح سفیر ارتقا پیدا کرد. در همین سال‌ها و در پی بروز یک سری تحولات داخلی و منطقه‌ای وارد مرحله راهبردی گردید و موجبات نگرانی کشورهای منطقه را فراهم آورد. توجه ترکیه به رژیم اشغالگر قدس محصول تغییر راهبردی در سیاست خارجی این کشور در پی فروپاشی شوروی بود. ترکیه در این زمان هم

از طرف همسایگان خود در خارج و هم از طرف ملی‌گرایان کرد و اسلام‌گرایان در داخل احساس خطر و تهدید می‌کرد. در چنین شرایطی نخبگان سیاست خارجی ترکیه احساس کرده‌اند در محاصره بحران‌ها و منازعات بین‌المللی قرار گرفته‌اند. (گزارش خاورمیانه ۲۰۱۵: ۶۸) در این زمان (نیمه دوم دهه ۱۹۹۰) ترکیه پی برد دیدگاه‌های این کشور در مورد ظهور محیط جدید راهبردی همپوشانی زیادی با دیدگاه‌های رژیم اشغالگر قدس دارد. چند عامل دیگر نیز تسهیل‌کننده نزدیکی ترکیه به رژیم اشغالگر قدس بود؛ که عبارت‌اند از: کاهش وابستگی ترکیه به نفت اعراب نسبت به گذشته، احیای روند صلح مادرید و غیره. از این زمان به بعد همکاری‌های ترکیه و رژیم اشغالگر قدس در عرصه‌های مختلف کشاورزی، فنی، صنعتی، نظامی، آموزشی و امنیتی و اطلاعاتی آغاز شد. (قهرمان‌پور، ۱۳۸۵: ۷۸)

با وجود این‌ها همکاری راهبردی ترکیه و رژیم اشغالگر قدس همواره با چالش‌هایی روبه‌رو بوده که آخرین مورد آن، مسئله کردها در شمال عراق و فعالیت‌های پنهانی رژیم اشغالگر قدس برای تشکیل یک دولت کردی، در یک منطقه راهبردی است. رژیم اشغالگر قدس به این نتیجه رسیده است که نمی‌تواند در یک حمله احتمالی به سوریه یا ایران، از ترکیه انتظار همراهی داشته باشد از این‌رو یک دولت کردی ضعیف و آسیب‌پذیر در شمال عراق بهتر است از این که کردها در تلاش برای ایجاد یک دولت مستقل مانند یهودیان باشند. (قهرمان‌پور، ۱۳۸۵: ۹۰) اما عراق همانند سایر کشورهای عربی رژیم صهیونیستی را به رسمیت نشناخته است. عراق از سابقه عملیات نظامی علیه رژیم صهیونیستی در جنگ‌های ۱۹۶۷ و ۱۹۷۳ برخوردار است. رژیم صهیونیستی در اواسط دهه ۱۹۷۰ به‌طور غیرمستقیم و از طریق ایران از کردهای مخالف دولت عراق حمایت می‌کرد. (نامی و محمد پور، ۱۳۸۷: ۴۰۴)

از طرفی در سال ۱۹۸۱ رژیم صهیونیستی نیروگاه اتمی «اسیراک» عراق را بمباران کرد. در مقابل، ارتش عراق در جریان جنگ ۱۹۹۱ با آمریکا، اقدام به شلیک ۱۷ فروند موشک زمین به زمین به رژیم صهیونیستی کرد. در دهه ۱۹۹۰، رژیم صهیونیستی ضمن حمایت از تداوم تحریم‌های بین‌المللی علیه عراق، از نظارت دائمی بر مراکز و پایگاه‌های نظامی و تسلیحاتی عراق حمایت کرد. از نظر رژیم صهیونیستی تندروی رژیم بعث در مسئله فلسطین نه تنها مانعی بر سر راه مذاکرات صلح خاورمیانه بود، بلکه باعث تحریک افکار عمومی جهان عرب علیه دولت‌هایی می‌شد که در صدد عادی‌سازی روابط با رژیم صهیونیستی بودند. عراق در اواخر دوره حیات رژیم صدام به خانواده‌های شهدای فلسطینی کمک‌های نقدی می‌کرد که مورد اعتراض شدید رژیم صهیونیستی بود. عراق هنگام حمله سال ۲۰۰۳ آمریکا تهدید کرد که رژیم صهیونیستی را مورد حمله قرار خواهد داد؛ اما چنین اتفاقی رخ نداد. رژیم صهیونیستی از حامیان جدی سقوط

رژیم صدام بود. (همان: ۴۰۵)

رژیم صهیونیستی یکی از موافقان حمله آمریکا به عراق بود و در این زمینه تلاش‌های فراوانی از طریق لابی صهیونیست آمریکا انجام داد. به همین دلیل کشور عراق همواره نگران حضور رژیم صهیونیستی در ترکیه و اقلیم کردستان عراق بوده است. به‌طور کلی حضور رژیم صهیونیستی در ترکیه و اقلیم کردستان عراق باعث به مخاطره انداختن امنیت ملی عراق و باعث آشکار شدن خواسته‌های دیگر گروه‌های قومی در عراق می‌شود. (پژوهشنامه راهبردی، ۱۳۸۶: ۲۶)

۲- ناتو

بدون شک یکی دیگر از متغیرهای اثرگذار در تعیین منافع و منازعات در منطقه، حضور و دخالت قدرت‌های خارجی است. در همین راستا یکی دیگر از مسائل راهبردی که بین دو کشور در تعارض قرار دارد، عضویت و نقش ترکیه در بخش شاخه نظامی ناتو است. یکی از مسائل مهم راهبردی ترکیه عضویت و باقی ماندن در ناتو است. این عضویت به علت اینکه این کشور در جنگ کره، آمریکا را همراهی کرد، توانست به این سازمان وارد شده و در دوران جنگ سرد اهمیت ویژه‌ای برای ناتو داشته باشد. به‌منظور تحکیم موقعیت جنوب شرقی آن پیمان نظامی و به علت همسایگی این کشور با روسیه، جمهوری‌های ماوراء قفقاز و تسلط بر تنگه‌های بسفر و داردانل، این اهمیت افزایش یافته و ترکیه را به‌عنوان نیروی اصلی ضربت در جبهه جنوب شرق مبدل کرد. در چارچوب ناتو، نیروهای ترکیه باید قادر باشند به عملیات وسیع نظامی در سواحل دریای سیاه، ماوراء قفقاز و خاورمیانه دست بزنند. در برنامه‌های غرب، ترکیه به‌عنوان تکیه‌گاه محکم ناتو و نوار ضربه‌گیر بین اروپا و خاورمیانه و عامل بازدارنده رشد اسلام‌گرایی و عنصر مهم مقابله با روسیه در حوزه‌های قفقاز و دریای سیاه در نظر گرفته شده است. (حسینی، ۱۳۸۹: ۲۷)

از طرفی ترکیه چنانچه می‌خواهد در داخل ناتو و اروپا تأثیرگذار باشد، بایستی مأموریت و نقش خود را در خصوص ناتو در داخل سازمان‌دهی جدید، نه بر روی خاورمیانه؛ بلکه بر روی اروپای شرقی انجام دهد. در چارچوب ناتو در صورتی که نه به‌عنوان کشوری در خاورمیانه، بلکه به‌عنوان کشوری اروپای شرقی و بالکان نقش بپذیرد، هم امکان دخالت ترکیه را در بالکان‌ها فراهم ساخته و هم برخی از ضعف‌های ناشی از عضویت نداشتن در اتحادیه اروپا را برطرف خواهد ساخت. در غیر این صورت مأموریت‌های احتمالی بر عهده گرفته شده در خاورمیانه، همان‌گونه که خطرات منطقه‌ای را افزایش می‌دهد، موازنه‌های داخلی ترکیه را نیز در جهت منفی تحت تأثیر قرار خواهد داد. (داود اوغلو، ۱۳۹۱: ۲۳۹)

اما در خصوص عراق، در نظر مقامات عراقی، همواره تصویری منفی از ناتو وجود دارد؛ زیرا این کشور موردتهاجم نیروهای ائتلاف ناتو قرار گرفته است و امنیت عراق توسط آن به خطر افتاده

است؛ به همین دلیل از حضور نیروهای این سازمان (ناتو) به واسطه ترکیه در مجاورت مرزهای خود، ناخرسند است.

۳- تبیین الگوی حکومتی (الگوسازی)

هرچند به بحث الگوی حکومتی در مباحث نظری تحقیق به صورت کامل اشاره نشده است، اما می‌توان با کمی اغماض این موضوع را نیز از عوامل مؤثر در روابط دو کشور عنوان نمود که با کمی تأمل و دقت، لازم به نظر می‌رسد. اساس شکل‌گیری چنین موضوعی دخالت قدرت‌های خارجی در الگوسازی برای کشورهای اسلامی غیرهمسو است؛ از این رو، می‌توان عنوان داشت که یکی دیگر از ملاحظات راهبردی ترکیه در عراق، تبلیغ برای جلب توجه عراقی‌ها به ساختار و الگوی نظام سیاسی ترکیه است. مقامات ترکیه علاقه‌مند هستند الگوی نظام سیاسی خود را به کل خاورمیانه گسترش دهند. ترک‌ها معتقدند نظام سیاسی آن‌ها قابلیت آشتی دادن اسلام با ارزش‌های مردم‌سالاری و مدرنیته را دارد؛ که این الگوی نظام حکومتی مورد حمایت غرب به‌ویژه آمریکا است و همواره آن را برای دیگر کشورهای مسلمان خاورمیانه تجویز می‌کنند از طرف دیگر راهبرد ترکیه به صورت کلی غیرمذهبی، منفعت‌محور، با حفظ اصل و هدف همراهی و هماهنگی با غرب است. از این رو ترکیه همواره از گروه‌های سکولار در عراق حمایت کرده و خواستار حکومتی سکولار در رأس قدرت این کشور قرار گیرد. در حالی دولت عراق دولتی کاملاً مذهبی و شیعه است و در صورت موفقیت ترکیه در حمایت از سکولار عراقی در آن هنگام تهدیدی علیه امنیت ملی عراق است. (همشهری دیپلماتیک- ۲۰۰۴: ۲۸ - ۱۶)

تأثیر مسائل راهبردی ترکیه و عراق بر ملاحظات امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران

الف- ملاحظات ناشی از منافع مشترک ترکیه و عراق

به‌طور کلی در خصوص رابطه مسئله کردها با امنیت جمهوری اسلامی ایران نیز باید گفت با توجه به شکل‌گیری پژاک (شاخه ایرانی حزب کارگران کردستان) و اقداماتی که این حزب تاکنون انجام داده است، ایران و عراق با ترکیه در این زمینه دغدغه امنیتی مشترکی دارد؛ بدین معنا که شکل‌گیری و تقویت گروه‌های تروریستی در این منطقه و احتمال ارتباط و همکاری آنان با رژیم صهیونیستی و آمریکا است؛ از این رو باید مانع شکل‌گیری و تقویت گروه‌های تروریستی در این منطقه شد. (حق پناه، ۱۳۸۸، ۱۷) در این راستا باید در قالب یک دیپلماسی چندجانبه به ادامه مذاکرات با دولت عراق، ترکیه و دولت منطقه‌ای کردستان پرداخت. باید عنوان نمود با توجه به میزان جمعیت، سابقه درگیری‌ها و تنش با دولت مرکزی و دیرینه هویت‌خواهی، کشورهای ترکیه، عراق، ایران و سوریه به ترتیب با بیشترین مشکلات مواجه بوده‌اند. از طرفی در بین این کشورها کردهای ایران از وضعیت مطلوبیت نسبی اجتماعی و به‌ویژه امنیتی برخوردار هستند که

می‌تواند نقطه فرصت مناسبی برای اعمال فشار به دو کشور دیگر به‌ویژه ترکیه باشد. ذکر این نکته ضرورت دارد که به‌رحال این موضوعی مشترک بین سه کشور بوده و استفاده از آن به‌عنوان فرصت امنیتی در کنار ایجاد منافع مثبت می‌تواند تهدیداتی را نیز به همراه داشته باشد؛ بنابراین با توجه تحلیل‌های جغرافیای سیاسی و راهبردی غرب در باب خاورمیانه و لزوم همگرایی بین ایران و ترکیه و تبادلات ۲۰ میلیارد دلاری، به نظر می‌رسد مسئله کردها نمی‌تواند در آینده‌ای نزدیک مشکلی عمده برای این دو کشور قدرتمند به وجود آورد؛ زیرا ایران در مسائل منطقه‌ای کاملاً مستقل عمل نموده و ترکیه نیز با وجود همگرایی با غرب در مسئله کردها با مواضع و مسائل مطروحه از طرف ایران هماهنگ است.

درخصوص آمریکا نمی‌توان صرفاً به منافع و روابط راهبردی بین دو کشور مورد بحث؛ یعنی ترکیه و عراق توجه نمود؛ بلکه با عنایت به پیشینه روابط ایران و آمریکا، این سیر تاریخی روابط دو کشور است که می‌تواند بر روابط راهبردی هر یک از دو کشور ترکیه و عراق با آمریکا برتری داشته باشد؛ به‌عبارتی دیگر آمریکا متغیر قوی‌تری در این بخش است که تحقق هرگونه هدف این کشور در منطقه می‌تواند در نگاهی بلندمدت در راستای تعارض با منافع راهبردی جمهوری اسلامی ایران باشد؛ زیرا همواره راهبرد «همه‌چیز علیه ایران» آمریکا باید در تحلیل امنیتی این موضوع به‌عنوان سرمشق اولیه در نظر گرفته شود.

آمریکا پس از انقلاب اسلامی با ایران مناسبات دوستانه‌ای نداشته است. حضور آمریکا در مجاورت مرزهای ایران، زمینه را برای دخالت مؤثر آن کشور در امور داخلی ایران فراهم می‌کند. آمریکا از عراق به‌عنوان نیروی مهارکننده ایران استفاده خواهد کرد. این سیاست در قالب مبارزه با تروریسم، مقابله با نیروهای تندرو اسلامی، جلوگیری از گسترش سلاح‌های کشتار جمعی و یا به شکلی ایجابی، ایجاد دولت‌های مردم‌سالار و میانه‌رو در برابر دولت‌های تندرو اعمال خواهد شد. تا از این طریق منافع و امنیت ملی ایران را به مخاطره بیندازد. موضوع دیگر اینکه جمهوری اسلامی ایران، پایگاه نظامی آمریکا در عراق را مغایر امنیت ملی خود می‌داند و آن را در راستای حلقه محاصره نظامی تعبیر می‌کند و در این زمینه که ترکیه نگران تداوم اعمال نفوذ آمریکا در عراق، حتی پس از خروج نیروهای آمریکایی، زمینه‌های تقویت جدی تشکیل کشور مستقل کردی در شمال این کشور، آن‌هم با حمایت مخفیانه رژیم صهیونیستی را فراهم آورد، منافع مشترکی دارد. و از طرف دیگر ایران و عراق، هم از اعمال نفوذ آمریکا در ترکیه نگرانی دارند و آن به خاطر اینکه استفاده از پایگاه نظامی اینجریلیک در جهت اهداف نظامی است که قبلاً در جنگ اول خلیج فارس از آن پایگاه علیه عراق استفاده کرده بود و یا اینکه تحت فشار غرب به‌ویژه آمریکا، ترکیه بخواهد در تحریم‌های اقتصادی علیه ایران، آن‌ها را همراهی کند. در این صورت تهدید جدی علیه امنیت

ملی ایران به وجود می‌آید. (قهرمان پور، ۱۳۸۵: ۴۵)

در خصوص حضور و نفوذ رژیم صهیونیستی در کردستان عراق؛ ترکیه آن را به‌عنوان عامل تقویت جنبش کردی و درخواست استقلال آنان قلمداد نمود که می‌تواند این موج به کردهای ترکیه نیز سرایت نماید و تهدیدی برای امنیت ملی آنان باشد و طبعاً عراق حساس به حضور رژیم صهیونیستی در اقلیم کردستان به‌منزله تقاضای استقلال کردستان این کشور در آینده تصور نماید که می‌تواند موجب تزلزل تمامیت ارضی این کشور و به تجزیه بینجامد. (کاظمی و اخوان، ۱۳۹۰: ۲۲) اما ایران از دو بعد به این موضوع می‌نگرد؛ اول خود حضور رژیم صهیونیستی پیرامون مرزهای ایران می‌تواند موجب دست‌اندازی و تهدید بیشتر منافع ج.ا.ا گردد و از بعد دیگر، نگاه مشترکی با ترکیه دارد مبنی بر اینکه این حضور زمینه استقلال خواهی و تشویق کردهای سایر کشورها را به همراه داشته باشد. از این رو شاید دلایل حساسیت متفاوت باشد؛ ولی همگی از حضور رژیم صهیونیستی در اقلیم کردستان عراق ناخرسندند که این می‌تواند فرصت‌ها امنیتی خوبی برای ایران داشته باشد.

اما در مورد ملاحظات امنیتی ایران در مورد انرژی در تحلیل آمده است که محدودیت‌های و توانمندی دو کشور عراق و ترکیه همپوشانی دارد؛ به عبارت دیگر، ترکیه با دریافت انرژی عراق، محدودیت ژئوپلیتیکی این کشور را تا حدود زیادی مرتفع می‌نماید و عراق نیز با صدور انرژی به ترکیه محدودیت نداشتن انرژی سرزمینی خود را کاهش می‌دهد. این موارد در صورتی است که ایران هیچ‌کدام از محدودیت‌های اشاره‌شده را نداشته باشد؛ ضمن اینکه می‌تواند مسیر مناسبی برای انتقال انرژی باشد. در این میان با توجه به وضعیت ژئوپلیتیکی ترکیه، کشورمان بایستی با اتخاذ تدابیر مناسب و دیپلماسی قابل قبول، ظرفیت‌های ترانزیتی ترکیه را پذیرفته و تلاش نماید در کنار این کشور بتواند با ایجاد نقش مؤثر در انتقال انرژی عراق و منابع مربوطه به تقویت جایگاه خود در مباحث انرژی و انتقال آن از کشور عراق اخذ نماید. از طرفی ج.ا.ا می‌تواند با تأمین بخشی از انرژی موردنیاز ترکیه، از جایگاه عراق در تأمین انرژی آن کشور بکاهد و با ایفای نقش در انتقال انرژی عراق، از جایگاه ترکیه در انتقال انرژی عراق کاسته و بر ظرفیت‌های انرژی خود بیفزاید. چنانچه ایران نتواند تدابیر یادشده را عملی سازد، به نظر می‌رسد باعث تضعیف ایران در معادلات دیپلماسی خط لوله و انرژی در منطقه شده و بر اهمیت راهبردی همسایگان خواهد افزود. (بولتن ویژه ترکیه، ۱۳۸۸)

ب- ملاحظات ناشی از منافع متعارض در روابط ترکیه و عراق

یکی از منافع متعارض بین ترکیه و عراق، روابط ترکیه با رژیم صهیونیستی است. روابط رژیم صهیونیستی و ترکیه افزون بر تقویت موقعیت این رژیم در منطقه، موجب تحول در توازن نیروهای

منطقه‌ای، به ضرر ایران و عراق می‌شود که در این زمینه ایران با عراق منافع مشترکی دارند. از این رو با توجه به موقعیت جغرافیایی رژیم صهیونیستی در نظر داشتن راهبرد اتحاد پیرامونی این کشور بدون شک هرگونه تعهدی بر مبنای این راهبرد موجبات تعارض با منافع منطقه‌ای ج.ا.ا. پیدا می‌کند (Hersh, 2004: 17) که نمونه آن برقراری ارتباط با اقلیم کردستان عراق، جمهوری آذربایجان و ترکیه به‌عنوان مهم‌ترین هم‌پیمانان مسلمان رژیم صهیونیستی در منطقه بوده که البته هر سه دارای هم‌جواری بسیار زیادی با کشورمان هستند در این بین شاید ایران بتواند بر اقلیم کردستان و جمهوری آذربایجان فشار وارد نموده و از طریق تحریم‌های سیاسی، اقتصادی و انرژی یک‌طرفه آنان را به پیروی نسبی از سیاست‌های کشورمان وادار نماید ولی در این میان جایگاه و نقش ترکیه کاملاً متفاوت بوده و این کشور در بین کشورهای اسلامی، در برقراری ارتباط با رژیم صهیونیستی پیشرو است. لزوماً نیاز ایران به ترکیه برای کم‌اثر نمودن تحریم‌های غرب و محدودیت‌های انتقال انرژی؛ فعلاً سیاستی را به کشورمان تحمیل نموده که در قبال همکاری ترکیه و رژیم صهیونیستی، سیاست میانه‌روی داشته و از افراط پرهیز نماید. ایران می‌تواند در این راستا همانند سیاست اخیر آمریکا که از عربستان و قطر در اهداف منطقه استفاده می‌نماید، از عراق برای اعمال فشار به ترکیه برای کاهش روابط با رژیم صهیونیستی استفاده نماید. در این بین به نظر می‌رسد، معضل امنیتی رژیم صهیونیستی با توجه به سرمایه‌گذاری‌های زیاد و پیچیده این رژیم در کشورهای همسایه خود (ترجیحاً هم‌مرز با ایران) به راحتی قابل حل نبوده و نیازمند تحکیم روابط ایران با کشورهای همسایه است.

یکی دیگر از منافع متعارض بین عراق و ترکیه عضویت ترکیه در ناتو است. عراق حضور ناتو در مجاورت مرزهای خود با توجه به اهداف ناتو در چارچوب طرح خاورمیانه بزرگ، عهده‌دار حمایت از دولت‌های عربی برای حرکت در مسیر به اصطلاح دموکراسی است. به‌گمان آمریکایی‌ها، نقش جدیدی که ناتو در خاورمیانه بر عهده گرفته، تمام ادعاهای مبنی بر وقوع انفجار سیاسی در خاورمیانه را پایان داده و امیدهای فراوانی را نسبت به بروز تحولات اساسی برمی‌انگیزد. بنابراین مأموریت اصلی ناتو برقراری امنیت اجتماعی، سیاسی و مدیریت بحران در کشورهای اسلامی بوده و خاورمیانه در آینده به دلیل مؤلفه‌های متعددی که در آن وجود دارد، کانون توجهات خواهد شد. (داود اوغلو، ۱۳۹۱: ۱۲۴) که این امر می‌تواند تهدیدی علیه امنیت ایران و عراق شود و عضویت ترکیه در ناتو به‌ویژه به‌عنوان یک کشور اسلامی غیرعربی و دارا بودن مرز مشترک با جمهوری اسلامی ایران و عراق میزان این تهدید را به شدت افزایش می‌دهد.

از طرف دیگر سپر دفاع موشکی ناتو که در ترکیه مستقر است، به ناتو میدان عمل می‌دهد تا هرگونه اقدام آفندی و پدافندی را علیه روسیه و ایران پیش ببرد و از سوی دیگر خود ناتو اعلام کرده است

که این سامانه علیه ایران و دیگر کشورهاست و جهانیان در حوادث اخیر شاهد بوده‌اند که ناتو رهبری عملیات مداخله نظامی در کشورهای خاورمیانه را وظیفه خود می‌داند. از این رو حضور ناتو در مجاورت ایران و عراق می‌تواند، تفاهم‌ها و همکاری مشترکی را در حوزه امنیت ملی ایجاد کند. (همان: ۲۸)

اما در خصوص یکی دیگر از متعارضات عراق و ترکیه الگوی نظام حکومتی است که ترکیه برخلاف دهه‌های پیش، سعی می‌کند در منطقه و جهان اسلام، نقش محوری ایفا کند. در این رویکرد، ترکیه هم بر برتری الگوی سیاسی خویش تأکید دارد و هم تلاش می‌کند خود را کانون سیاسی خاورمیانه و جهان اسلام معرفی کند. بسیاری از تحلیل‌گران این سیاست را که تا حدودی از هویت تاریخی ترکیه نشأت می‌گیرد، نوع‌ثمنی‌گرایی نامیده‌اند. (همشهری دیپلماتیک، ۲۰۰۴: ۲۵)

در مقابل، جمهوری اسلامی ایران، الگوی نظام سیاسی ترکیه را در چارچوب الگوی حکومتی غرب تحلیل می‌کند و مخالف نهادینه‌شدن آن در جهان اسلام، به‌ویژه در عراق است. از سوی دیگر، ایران الگوی حکومتی خود را متناسب با ارزش‌های اسلامی و بومی خاورمیانه و جهان اسلام می‌داند که عملیاتی شدن آن با روحیه بومی و اسلامی مردم عراق سازگار است و تا حدود بسیار زیادی توانسته است این الگو و خواسته‌های خود را در عراق پیاده‌سازی نماید. در این راستا چنانچه ترکیه بتواند در عراق موفقیتی کسب کند، در آن هنگام ایران یکی از حامیان خود را در منطقه خاورمیانه از دست می‌دهد. از طرفی عراق همواره صحنه رقابت ایران و ترکیه در زمینه‌های همچون اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی است. ترکیه سعی دارد ایران را از صحنه رقابتی عراق خارج کند و مقامات عراقی را به سوی خود جلب نمایند. در این صورت از نفوذ ایران در منطقه خاورمیانه و به‌ویژه عراق کم شده و این با اهداف سیاست خارجی ایران - که ترویج انقلاب اسلامی ایران است - منافات دارد و با منافع امنیتی ملی ایران در تضاد است.

نتیجه‌گیری

در پاسخ به سؤال اول تحقیق همان‌گونه که در بحث منافع مشترک آمده است، مشخص گردید که کردها، انرژ، امریکا و حضور رژیم صهیونیستی در اقلیم کردستان عراق جزء مهم‌ترین متغیرهای مطرح در روابط ترکیه و عراق برای ایجاد همسویی بیشتر و تعامل فراگیرتر هستند که می‌تواند یک فرصت امنیتی برای جمهوری اسلامی ایران باشد.

در مسئله کردها وضعیت تقریباً مشابهی برای هر دو کشور (ترکیه و عراق) وجود دارد به عبارتی ترکیه و دولت مرکزی آنان راضی به استقلال کردها و تشکیل کردستان مستقل نیستند. در این بین جمهوری اسلامی ایران نیز دارای منافع راهبردی با آن دو کشور است که می‌تواند موجبات ترتیبات امنیتی سه‌گانه‌ای را فراهم آورد؛ لیکن در این بین، نوع نظام حکومتی عراق و استقلال نسبی اقلیم کردستان این کشور چالش بزرگ برای هر سه کشور ایران، ترکیه و دولت مرکزی

عراق است (فرصت)

در مسئله حضور رژیم صهیونیستی در اقلیم کردستان عراق، وضعیت تقریباً مشابهی برای هر دو کشور ترکیه و دولت مرکزی عراق وجود دارد؛ به عبارتی دیگر ترکیه و دولت مرکزی عراق نسبت به حضور رژیم صهیونیستی در اقلیم کردستان عراق حساسیت ویژه‌ای دارند و نسبت به این روابط بدبین هستند؛ چراکه احتمال استقلال کردستان عراق و تقویت جنبش کردها در این دو کشور را فراهم آورد که با منافع ملی هر دو کشور عراق و ترکیه در تعارض است در این بین جمهوری اسلامی ایران دارای اشتراک منافع با آن دو کشور (ترکیه و عراق) است که می‌تواند زمینه ترتیبات امنیتی و اقتصادی سه‌گانه را فراهم آورد. (فرصت)

- عراق و ترکیه در زمینه انرژی دارای منافع و راهبرد مشترک هستند. انرژی می‌تواند محدودیت‌ها و توانمندی دو کشور عراق و ترکیه همپوشانی نماید؛ به عبارتی دیگر ترکیه با دریافت انرژی عراق، نیازمندی خود به انرژی تا حدود زیادی مرتفع می‌نماید و عراق نیز با صدور انرژی از طریق ترکیه محدودیت ژئوپلیتیکی خود را کاهش می‌دهد. این موضوع می‌تواند در حالتی برای جمهوری اسلامی ایران یک تهدید منسوب گردد که این دو کشور تحت فشار آمریکا از تحریم‌های نفتی حمایت کنند؛ در حالی که ایران هیچ‌کدام از محدودیت‌های اشاره‌شده را نداشته، ضمن اینکه می‌تواند مسیر مناسبی برای انتقال انرژی باشد و از طریق دیپلماسی فعال می‌تواند این تهدید را به فرصت امنیتی تبدیل نماید. (فرصت)

- در مورد روابط با آمریکا وضعیت تقریباً مشابهی برای هر دو کشور عراق و ترکیه وجود دارد یا به عبارتی دیگر هر دو کشور در خصوص روابط با آمریکا دارای منافع و راهبردهای مشترکی دارند با توجه به اینکه وضعیت هر کدام از این دو کشور متفاوت است. کشور ترکیه برای آمریکا یک متحد باثبات در منطقه خاورمیانه است و روابط راهبردی با این کشور دارد؛ ولی عراق برای آمریکا یک کشور غیرمتحد بی‌ثبات در منطقه خاورمیانه اما از منابع سرشار نفت و گاز برخوردار است و این متغیر نفت است که عراق را برای آمریکا راهبردی نموده است. در این بین جمهوری اسلامی ایران با این دو کشور منافع متعارضی در خصوص این راهبرد دارد که حضور آمریکا در مجاورت مرزهای ایران، آن هم در جناح غربی می‌تواند یک تهدید برای امنیت ملی ایران محسوب گردد (تهدید) در پاسخ به سؤال دوم تحقیق همان‌گونه که در بحث منافع متعارض آمده است، مشخص گردید که روابط رژیم صهیونیستی با ترکیه، ناتو و الگوی حکومتی جزء مهم‌ترین متعارضات متغیرهای مطرح در روابط ترکیه و عراق هستند که این می‌تواند برای جمهوری اسلامی ایران یک تهدید و هم فرصت باشد.

- در مورد روابط رژیم صهیونیستی با ترکیه، دو کشور دیدگاه متفاوتی دارند و در این موضوع

منافع متعارضی با هم دارند که البته دولت عراق روابط ترکیه با رژیم صهیونیستی را باعث تحول در توازن قوا در منطقه و تضعیف مبارزات فلسطینی‌ها دانسته و از طرف دیگر حضور رژیم صهیونیستی در نزدیکی مرزهای شمالی خود را تهدید علیه امنیت ملی خود قلمداد می‌نماید. این حضور برای ایران هم یک تهدید است و از این منظر با عراق دارای اشتراک منافع است که می‌تواند یک فرصت امنیتی برای کشورمان منصوب گردد تا بتواند از این اهرم بین روابط دو کشور عراق و ترکیه استفاده نماید. (فرصت)

- در خصوص مسئله ناتو، ترکیه و عراق منافع و راهبرد متعارضی دارند. عراق از حضور ناتو در مجاورت خود نگران است و تمامیت ارضی آن کشور قبلاً از سوی این نیرو مورد تهدید قبلاً قرار گرفته است و از طرف دیگر استقرار سپر دفاعی موشکی در ترکیه را با منافع امنیت ملی خود در تضاد می‌بیند. در این بین ایران هم از حضور ناتو در مجاورت مرزی خود با عراق دارای منافع مشترکی است و این می‌تواند یک فرصت امنیتی برای ایران و عراق در مسئله تقابل با پیشروی ناتو است. (فرصت)

- مسئله الگوی حکومتی یکی از منافع متعارض بین دو کشور عراق و ترکیه است و می‌تواند موجب بروز تهدید امنیتی برای ایران و عراق گردد. ترکیه با استفاده از گروه‌های طرفدار الگوی حکومتی خود می‌تواند در انتخابات آتی عراق، دولت مورد حمایت آمریکا را در رأس کار قرار دهد. در این صورت ایران یکی از حامیان خود را در منطقه از دست داده و این با منافع امنیت ملی ایران در تضاد است. بدین ترتیب دو کشور ایران و عراق باید ترتیبات امنیتی دوگانه‌ای را فراهم آورند تا بتوانند از گسترش الگوی حکومتی ترکیه جلوگیری کنند. (تهدید)

با توجه به مباحث بالا پیشنهادهای زیر برای راهبردهای امنیتی جمهوری اسلامی ایران پیشنهاد می‌گردد:

✓ در خصوص منافع مشترک سه کشور در حوزه انرژی - بحران قومیت و حضور رژیم صهیونیستی در اقلیم کردستان عراق پیشنهاد می‌گردد؛ همگرایی حداکثری سه کشور در این حوزه‌ها ایجاد شود و ادامه تعاملات سیاسی، اقتصادی، امنیتی و فرهنگی در خصوص موضوعات مشترک در سطوح مختلف ادامه یابد.

✓ در خصوص منافع متعارض ایران با کشور ترکیه که عبارتند از: روابط رژیم صهیونیستی با ترکیه، روابط ترکیه و ناتو و تبلیغ الگوی حکومتی ترکیه با حمایت غرب به‌ویژه آمریکا پیشنهاد می‌گردد؛ ایران و عراق نسبت به خطر احتمالی و تهدیدی که از طرف ناتو و رژیم صهیونیستی متوجه امنیت ملی ایران و عراق است، می‌توانند از ناحیه قومیت‌ها و تفرقه‌افکنی بین آن‌ها بهره‌برداری کنند. مهم‌ترین ابزار درمان این آسیب‌پذیری، پذیرش واقعیت‌های گوناگون فرهنگی

و قومی در جامعه ایرانی و عراقی است. در حوزه تبلیغ الگوی حکومتی پیشنهاد می‌گردد که ایران از ابزارهای خود (ایدئولوژی، فرهنگ حاکم، سیاستمداران) در عراق در مقابل ابزارهای ترکیه استفاده نماید یا به عبارت دیگر ایران با حمایت از گروه‌های سیاسی و ایجاد وحدت بین آنها و مشارکت اقتصادی در عراق، حوزه نفوذ خود را در این کشور حفظ نماید.

✓ در خصوص منافع متعارضی که ایران با دو کشور عراق و ترکیه در حوزه روابط این دو کشور با آمریکا دارند، پیشنهاد می‌شود که ایران باید شفاف‌سازی بیشتری نسبت به فعالیت‌های هسته‌ای خود از طریق مذاکرات سه‌جانبه برای توجیه مقامات ترکیه و عراق، برای خنثی کردن توطئه‌ها یا اقدامات خصمانه آمریکا در منطقه انجام دهد.

منابع

۱. احدی، محمد. (۱۳۸۷). **جغرافیای امنیتی کشورهای هم‌جوار**. تهران: مرکز آموزشی و پژوهشی شهید صیاد شیرازی.
۲. اکبری، حسین. (۱۳۸۸). **بحران حاکمیت در عراق**. تهران: موسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور.
۳. بوزان، باری و الی ویور. (۱۳۸۸). **مناطق و قدرت‌ها: ساختار امنیت بین‌الملل**. ترجمه رحمان قهرمان پور، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۴. بوزان، باری. (۱۳۸۷). **مردم، دولت‌ها و هراس**. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۵. بولتن ویژه ترکیه. (۱۳۸۸) **ترکیه مسیر برای ترانزیت انرژی**، تهران: موسسه ابرار معاصر.
۶. پژوهشنامه راهبردی. (۱۳۸۶). **زمینه‌های اقدام اطلاعاتی آمریکا علیه ایران**، مطالعه **موردی ترکیه**. تهران: پژوهشکده مطالعات کاربردی فارابی.
۷. پژوهشنامه راهبردی. (۱۳۸۶). **زمینه‌های اقدام اطلاعاتی آمریکا علیه ایران**، مطالعه **موردی عراق**. تهران: پژوهشکده مطالعات کاربردی فارابی.
۸. پوراردکانی، عباس باقر. (۱۳۸۲). «بررسی مشروعیت حمله نظامی امریکا به عراق». **فصلنامه مطالعات راهبردی**؛ سال ششم شماره دوم.
۹. تریف، تری و دیگران. (۱۳۸۳). **مطالعات امنیتی نوین**، ترجمه علیرضا طیب و وحید بزرگی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۱۰. حق پناه، جعفر (۱۳۸۲). **کردها و تحولات آتی عراق**. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۱۱. داوود اوغلو، احمد. (۱۳۹۱). **عمق راهبردی موقعیت ترکیه در صحنه بین‌المللی**. ترجمه محمدحسین نوحی نژاد ممقانی تهران: انتشارات امیرکبیر.
۱۲. روشندل، جلیل. (۱۳۷۴). **امنیت ملی و نظام بین‌المللی**. تهران: سمت.
۱۳. سایت وزارت امور خارجه عراق.
۱۴. غرایاق زندی؛ داوود. (۱۳۸۹). «استراتژی و سیاست؛ مروی تاریخی و تحول». تهران: **مجله امنیت پژوهش**، سال نهم، شماره ۳۰.
۱۵. غرایاق زندی؛ داوود. (۱۳۹۰). **درآمدی بر سیاست‌گذاری امنیت ملی**. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۱۶. قنبرلو، عبدالله. (۱۳۹۱). «ملاحظات امنیت ملی و غرب‌گرایی در سیاست خارجی ترکیه». **فصلنامه مطالعات راهبردی** شماره چهارم، زمستان ۱۳۹۲، شماره ۵۸.

۱۷. قهرمان‌پور، رحمان، (۱۳۸۵). **تعاملات ایران و ترکیه در قرن بیست و یکم**. تهران: مرکز تحقیقات راهبردی دفاعی.
۱۸. گزارش خاورمیانه در سال ۲۰۱۵ چاپ دانشگاه دفاع ملی.
۱۹. نامی، محمدحسن؛ محمدپور، علی. (۱۳۸۷). **جغرافیای کشور عراق با تأکید بر مسائل ژئوپلیتیک**. تهران: سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
۲۰. نصری، قدیر. (۱۳۸۴). «الگوی روش‌شناختی برای مطالعه جامعه‌شناختی قدرت». **فصلنامه راهبرد دفاعی**. سال سوم، شماره نهم، پاییز ۱۳۸۳.
۲۱. نظری، مصطفی. (۱۳۹۲). **راهبرد صهونیسم در عراق**. پایگاه خبرگزاری فارس.
۲۲. ویور، الی. (۱۳۸۰). «امنیتی کردن و غیر امنیتی کردن». ترجمه مرادعلی صدوقی». **فصلنامه فرهنگ اندیشه**، سال اول، شماره سوم و چهارم.
۲۳. **همشهری دیپلماتیک** - ۲۰۰۴ - شماره ۲۸ - ۱۶ آبان ۱۳۸۳.
۲۴. یزدان‌فام، محمود. (۱۳۹۰). **دولت‌های شکننده و امنیت انسانی**. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
25. Buzun, Barry (1991) **People, States and Fear: An Agenda for International Security Studies in the Post-Cold War Era**, Boulder and Colorado, Lynne Piener Publishers.
26. Hersh, Symorm (28 Jun, 2004) **Plan B:AsJun30 Approaches Israel Looks to Kurd**, The New Yorkers.

